**جلسه 104**

**دو‌‌شنبه - 18/02/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

یک مطلب راجع به بحث دیروز مانده، ‌عرض کنم.

راجع به روایات رکعتان بعد الزوال که در برخی از روایات فرمود که اگر آن دو رکعت روز جمعه را تا زوال نخوانی بعد از زوال نماز فریضه را بخوان، ‌مرحوم آقای داماد فرمود که من تعارض را قبول دارم. تعارض می‌‌کنند. برخی از روایات مفادش این است که رکعتان بعد الزوال، ‌صحیحه سعد بن سعد، صحیحه بزنطی، صحیحه علی بن یقطین، این‌ها تعبیرشان این است که رکعتان اذا زالت الشمس، ‌رکعتان بعد الزوال. صحیحه سلیمان بن خالد دارد: و رکعتان عند الزوال و القراءة فی الاولی بالجمعة و فی الثانیة بالمنافقین. در مقابل هم روایاتی هست که خلاف این را می‌‌گوید. صحیحه علی بن جعفر: سألته عن رکعتی الزوال یوم الجمعة قبل الاذان او بعده؟ قال قبل الاذان. قبل از زوال شمس این دو رکعت نافله روز جمعه را بخوانید. یا در موثقه سلیمان بن خالد هست که تصلیهما بعد الفریضة. یا در صحیحه بزنطی هست که اذا زالت قبل ان تصلی الرکعتین فلاتصلهما و ابدا بالفریضة و اقض رکعتین بعد الفریضة.

مرحوم آقای داماد فرموده تعارض می‌‌کنند این دو طائفه از روایات باید طائفه اولی را حمل بر تقیه بکنیم. چرا؟ برای این‌که ما قرینه داریم در روایات عمل عامه را مشخص می‌‌کند. عمل عامه بر این بود که بعد از اذان ظهر روز جمعه و قبل از اقامه دو رکعت نماز می‌‌خواندند. و لذا در صحیحه حریز دارد: اما أنا اذا زالت الشمس یوم الجمعة بدأت بالفریضة و اخّرت الرکعتین. این "اما انا" یعنی من این‌طور هستم بقیه این‌طور نیستند. یا در این روایت موثقه محمد بن مسلم بخاطر این‌که در سند حسن بن محمد بن سماعة هست تعبیر می‌‌کنیم به موثقه، عن ابی جعفر علیه السلام قال لی رجل من اهل المدینة‌ یا اباجعفر! ما لی لااراک تتطوع بین الاذان و الاقامة کما یصنع الناس؟ فقلت انا اذا اردنا ان نتطوع کان تطوعنا فی غیر وقت الفریضة فاذا دخلت الفریضة فلاتطوع. ایشان فرموده ببینید! تعبیر می‌‌کند که ما لی لااراک تتطوع بین الاذان و الاقامة کما یصنع الناس، عمل عامه مشخص شد، ‌عمل عامه بر اتیان به این رکعتین بوده بعد از زوال، امام بر خلاف عامه عمل می‌‌کرد. طبعا این روایاتی که می‌‌گوید بعد از زوال این دو رکعت را نخوان، ‌اول نماز فریضه را بخوان و بعد این دو رکعت را، می‌‌شود مخالف عامه و ترجیح با اوست.

این فرمایش، فرمایش خوبی است ولی ایرادی که می‌‌شود به آن گرفت این است که اگر جمع عرفی بین این روایات باشد که نوبت به حمل بر تقیه نمی‌رسد. این موثقه محمد بن مسلم که اصلا مربوط به نافله یوم الجمعة نیست. عامه بعد از اذان، کسانی که مکه مشرف شدند می‌‌دانند، ‌سریع بلند می‌‌شوند دو رکعت نماز می‌‌خوانند. اصلا نافله ظهر نیست، نافله مغرب نیست، نافله صبح نیست. حالا ممکن است گاهی هم قصد نافله بکنند، ‌خب نافله مغرب که دیگه اول اذان نیست؛‌ بعد از اذان مغرب است. بلند می‌‌شوند دو رکعت نماز می‌‌خوانند به عنوان تطوع. این موثقه محمد بن مسلم مربوط به نافله یوم الجمعة نیست.اما صحیحه حریز: اما انا، او مربوط به نافله یوم الجمعة‌ است اما با لفظ "اما انا" ما بفهمیم یعنی خلافا للعامة یا نه، ‌من مقیدم فرد افضل را انجام بدهم که رکعتان بعد الفریضة است، اما اصراری ندارم شما هم حتما این کار را بکنید‌، شما می‌‌توانید این دو رکعت را عند الزوال بخوانید. خب اگر این‌جوری باشد دیگه ما چطور بیاییم بگوییم حمل بر تقیه می‌‌کنیم؟ خب جمع عرفی داریم. موثقه محمد بن مسلم که راجع به نافله یوم الجمعة نیست. این روایت "اما انا" هم قابل حمل بر افضلیت است. و لذا ممکن است جمع کنیم به این‌که این روایات رکعتان عند الزوال رخصت را می‌‌گوید.

و ممکن است کسی بگوید که برخی از این روایات که می‌‌گوید رکعتان بعد الزوال، این‌ها صریح نیستند در رکعتان بعد الزوال و قبل صلاة الفریضة. نه، ‌رکعتان بعد الزوال اصلا یعنی افضل این است که این دو رکعت را بعد از زوال بخوانید، تا می‌‌خواهید بعد از زوال بخوانید می‌‌گویند افضل این است که بعد از فریضه بخوانید. رکعتان بعد الزوال ندارد: و قبل الصلاة. فقط یک روایت سهل بن زیاد است که آنجاست که رکعتان اذا زالت الشمس ثم صل الفریضة. می‌‌گوید الصلاة النافلة یوم الجمعة ست رکعات، آن هم سندش سهل بن زیاد است، و ست رکعات صدر النهار و رکعتان اذا زالت الشمس ثم صل الفریضة. آنجا بله، ‌آنجاها صریح در این است که قبل از صلات فریضه خوانده بشود. و لکن عرض کردیم قابل حمل بر رخصت است این‌ها. بخاطر این‌که وقت مشخصی دارد سخت نیست بر مکلف با اذان شروع می‌‌کند این دو رکعت را خواندن امام می‌‌فرماید این کار را بکن یعنی می‌‌توانی این کار را بکنی "اما انا" من می‌‌روم سراغ فرد افضل که لااصلیهما حتی اصلی الفریضة.

**نافله مغرب**

اما راجع به مسئله نافله مغرب:

راجع به نافله مغرب مشهور گفتند با ذهاب حمره مغربیه وقت نماز نافله مغرب تمام می‌‌شود.

صاحب جواهر استدلال کرد به وجوهی برای مدعای مشهور که ما برخی از این وجوه را مطرح کردیم. عمده آن این بود که روایت می‌‌گوید که اربع رکعات بعد المغرب. ایشان گفته بعد المغرب دیگه خیلی تاخیر نیندازید که بعد المغربش، می‌‌گوید بعد از نماز سفره را پهن کنید، بعد از نماز شده ساعت چهار، می‌‌گوید خدا خیرت بدهد! این است بعد از ناهار سفره را پهن کنید؟! ایشان هم می‌‌گوید اربع رکعات بعد صلاة المغرب، نه این‌که دیگه اینقدر تاخیر بیندازید، ‌فصل طویل بشود.

خب جوابش این است که اولا فصل طویل از کجا؟ خب من نزدیک شفق، ذهاب حمره مغربیه نماز مغربم تمام شد، ‌با فاصله کم نافله مغرب را خواندم. این‌که دیگه فصل طویل نیست. ولی بعد از ذهاب حمره مغربیه است.

وانگهی قرینه اگر نباشد، و طواف بعد الحج، این معنایش این است که فاصله زیاد نیندازید بین طواف نساء و حج؟ نه، طواف بعد الحج، طواف نساء بعد از حج است و لو با فاصله یک هفته، ‌دو هفته؛ مشکلی نیست.

استدلال کرده صاحب جواهر باز به این‌که در روایت گفته: وقت المغرب ضیق. وقتی وقت نماز مغرب ضیق باشد وقت نافله مغرب ضیق نیست؟ اولویت دارد. وقت فریضه مغرب ضیق است وقت نافله مغرب که به طریق اولی باید ضیق باشد.

خب این هم جوابش واضح است. اولا آن وقت المغرب ضیق است که حمل شد بر افضلیت. خب وقت نافله مغرب هم ضیق باشد ما که مشکل نداریم. ثانیا: چه قیاسی می‌‌کنید؟ وقت فریضه مغرب ضیق است پس باید وقت نافله مغرب هم ضیق باشد؟! شارع در نافله تسهیل کرده، ‌گفته هر وقت خواستید نافله مغرب را بخوانید، ‌چه اشکال دارد؟

مرحوم محقق حلی برای تایید قول مشهور وجه دیگری ذکر کرده. فرموده وقتی که سقوط شفق شد، ذهاب حمره مغربیه شد، وقت فضیلت نماز عشاء فرا می‌‌رسد، و لاتطوع فی وقت الفریضة. در وقت فضیلت نماز عشاء حرف از صلات تطوع نزنید.

این فرمایش محقق حلی هم اشکال صغروی دارد هم اشکال کبروی.

اشکال صغرویش این است که ظاهر این‌که لاتطوع فی وقت الفریضة این است که انسان مبادرت کند به فریضه و الا اگر مستحب است تاخیر فریضه، بخاطر ادراک نماز جماعت، اینجا که دیگه مزاحم نیست نماز تطوع با وقت فضیلت فریضه. اینجا که اشکال ندارد ما نماز بخوانیم. این را از روایات هم استفاده کردیم کما سیأتی که تطوع در وقت فریضه موقعی نهی دارد که ما فریضه را رها کنیم، برویم سراغ صلات تطوع. اما ما منتظر نماز جماعتیم، چه اشکال دارد نماز مستحب بخوانیم و لو اول وقت؟

اشکال کبروی:

اشکال کبروی این است که تطوع در وقت فریضه حرام نیست؛ مکروه است. یعنی اقل ثوابا است. خب نافله مغرب را بعد از ذهاب حمره مغربیه بخوانیم، ‌قبل از نماز عشاء می‌‌شود مکروه، اقل ثوابا نه این‌که نا مشروع باشد.

راجع به تطوع فی وقت الفریضة مقداری توضیح بدهم:

ما در باب صوم از مسلمات فقه‌مان هست که کسی که روزه قضاء به گردنش است، مجاز نیست روزه مستحب بگیرد. این مفاد روایات هست: لاتطوع لمن علیه الفرض.

حالا جزئیات مورد نزاع است که آیا من علیه الفرض حتما صوم قضاء است یا صوم کفاره را هم شامل می‌‌شود؟ خب برخی قائل شدند که اختصاص به صوم قضاء ندارد، هر صوم واجبی، ‌هر صوم واجب تعیینی و لو صوم قضاء نباشد، ‌صوم کفاره باشد، مانع است از صوم تطوع.

و یا بحث کرده‌اند که صوم تطوع مراد چیست؟ مورد اختلاف است بین فقهاء. قدر مسلم این است که کسی که روزه قضاء دارد روزه مستحب بگیرد، این نهی دارد و این روزه مستحب باطل است.

اما اگر بخواهد روز قضاء دیگران را بگیرد، با این‌که خودش روزه قضاء دارد، آقای سیستانی گفتند نه، این تطوع نیست. تطوع عنوان مشیر است به آن صومی که ذاتا فریضه نیست؛ صوم شهر رمضان ذاتا فریضة الله است و لو بر شما واجب نباشد قضاء صوم شهر رمضان دیگران را بگیرید اما این صوم ذاتا و شأنا فریضة الله است. ان شهر رمضان فریضة من فرائض الله، ‌صوم شهر رمضان فریضة‌ الله است. و لذا کسی که روز قضاء دیگری را بگیرد و لو خودش روزه قضاء دارد اشکال ندارد.

و یا اگر کسی روزه مستحب بگیرد اما روزه مستحب با نذر، برخی مثل مرحوم آقای خوئی می‌‌گویند اشکال ندارد. چرا؟ برای این‌که تا نذر کردی روزه مستحب بگیری این از تطوع خارج می‌‌شود، می‌‌شود واجب، این دیگر تطوع نیست. ورود دارد دلیل وجوب وفاء به نذر بر عنوان تطوع. و لذا مرحوم آقای خوئی یک، حیل الربا می‌‌گویند، اینجا هم حیل الصوم الاستیجاری، آقای خوئی فرمودند کسی که اجیر بشود برای صوم قضاء دیگران، بخاطر وجوب وفاء به اجاره، ‌این صومش دیگر تطوع نیست؛ واجب است این صوم استیجاری را بگیرد. و لو قبل از این وجوب وفاء به اجارة آقای خوئی معتقد است این صوم قضاء غیر تطوع است اما وقتی واجب می‌‌شود وفاء به اجاره، دیگر تطوع نیست، دیگر شما متطوع نیستی؛ عامل به واجب هستی.

این اختلاف‌ها هست. که امام قدس سره در مقابل هر دو قول ایستادند. می‌‌فرمایند: روزه قضاء دیگران را می‌‌گیری، با این‌که خودت روزه قضاء داری، هر کلکی بزنی من ابطال می‌‌کنم. می‌‌گویی این صوم تطوع نیست، چرا تطوع نیست؟ بر شما که واجب نیست صوم قضاء دیگران را بگیری. می‌‌گویی وفاء به اجاره واجب شد بر من و بخاطر وفاء به اجاره، دیگر تطوع نیست، ایشان می‌‌فرماید عنوان وفاء به اجاره واجب بشود صوم را از تطوع بودن خارج نمی‌کند؛‌ عنوان صوم قضاء غیر لایزال مستحبا. آنی که واجب شد عنوان وفاء به اجاره بود؛ چه ربطی دارد صوم قضاء عن الغیر. و لذا صوم قضاء عن الغیر چه اجیر بشوی، چه نذر بکنی، که اگر نذر بکنی، می‌‌توانی صوم مستحب خودت را نذر کنی، و لکن بهرحال از تطوع بودن خارج نمی‌شود و لذا این صوم، ‌باطل است.

این یک اجمالی از بحث لاتطوع لمن علیه الفرض در باب صوم.

در باب نماز هم شبیه این روایات آمده، به عنوان لاتطوع فی وقت الفریضة.

شیخ مفید، ‌شیخ طوسی، علامه در جمله‌ای از کتبش، ‌صریح محقق حلی در معتبر، این است که حرام است صلات تطوع در وقت فریضة. محقق حلی در معتبر می‌‌گوید:‌ فکر نکنید من این را می‌‌گویم، هذا مذهب علمائنا.

ولی شهید اول و ثانی گفتند نخیر، ما قائل به جواز صلات تطوع در وقت فریضه هستیم. در دروس می‌‌گوید هذا القول اشهر.

حالا واقعا تعجب است، ‌محقق حلی در معتبر می‌‌گوید مذهب علمائنا عدم الجواز، شهید اول در دروس می‌‌گوید الجواز هو الاشهر، حالا این چطور می‌‌شود؟ لابد شهید اول زمان خودش را، استاد خودش را که فخر المحققین است و شاگردان خودش را دیده است و معاصرین خودش را، ‌گفته اشهر عدم جواز صلات تطوع است و الا محقق حلی در معتبر گفت مذهب علمائنا عدم الجواز. حالا کاری به این مطلب نداریم.

مشهور برای عدم جواز تطوع در وقت فریضه استدلال کردند به صحیحه زراره. در صحیحه زراره دارد که: سئل عن رجل صلی بغیر طهور أو نسی صلوات لم یصلها او نام عنها، ‌قال یقضیها اذا ذکرها، تا اینجا می‌‌رسد که، و لایتطوع برکعة حتی یقضی الفریضة کلها، ‌کسی که نماز قضا‌ء دارد یک رکعت نماز مستحب نباید بخواند. اول برو نمازهای قضائت را بخوان بعد بیا نماز مستحب بخوان. بعد گفتند مورد این صحیحه البته لاتطوع لمن علیه صلاة القضاء هست و لکن کسی که صلات اداء به گردنش است، او که به طریق اولی حکمش معلوم است. نماز قضاء که واجب موسع است، واجب غیر موقت است، اگر نماز قضاء بر گردنت هست، ‌حق نداری نماز مستحب بخوانی، خب کسی که نماز اداء به گردنش هست و نخوانده است به طریق اولی حکمش این است. این یک روایت.

روایت دیگر، دومین روایت شهید در ذکری می‌‌گوید روی زرارة فی الصحیح، تعبیر شهید این است: روی زرارة فی الصحیح، قال رسول الله صلی الله علیه و آله، از امام باقر علیه السلام این حدیث را نقل می‌‌کند که پیامبر فرمود: اذا دخل وقت صلات مکتوبة فلاصلاة نافلة حتی یبدأ بالمکتوبة، حق نافله خواندن ندارید بعد از دخول وقت نماز واجب مگر نماز واجب بخوانی.

[سؤال: ... جواب:] اگر وقت صلات نبود، نماز قضاء هم به عهده شما نیست که دیگه مشکل ندارد. آنی که نماز قضاء دارد تطوع نکند، ‌آنی هم که وقت داخل شد، ‌تطوع نکند. البته نوافل مرتبه که حکمش واضح است، او مقدم است در وقت خودش. اما کسی که وقت داخل نشده، نماز قضاء هم ندارد نماز مستحب می‌‌خواند.

در مستطرفات سرائر از کتاب حریز نقل می‌‌کند از زراره: لاتصل من النوافل شیئا فی وقت الفریضة فانها لاتقضی نافلة فی وقت فریضة فاذا دخل وقت الفریضة فابدا بالفریضة.

عمده روایاتی که نهی می‌‌کند از صلات تطوع در وقت فریضه ادائا و قضائا این روایات است. و لذا مشهور گفتند حرام است تشریعا. نه این‌که گناه کردی عقاب می‌‌شوید. نه، حرام تشریعی است، حرام تشریعی است یعنی امر ندارد، قصد امر جزمی نباید بکنید، اگر نماز قضاء به عهده‌تان هست یا اگر نماز ادائی که نخوانده‌اید، ‌نماز مستحب نخوانید که امر ندارد. مشهور این‌جور گفته‌اند.

[سؤال: ... جواب:] ما راجع به سند ابن ادریس به کتب اصحاب قبلا بحث کردیم. گفتیم فرقی چندان بین ابن ادریس که حدودا صد سال با شیخ طوسی فاصله دارد با خود شیخ طوسی نیست. همان اصالة الحسی که جاری می‌‌کنیم در شیخ طوسی نسبت به کتاب‌هایی که نقل می‌‌کند راجع به ابن ادریس همین اصالة‌ الحس را جاری می‌‌کنیم کما علیه السید الزنجانی. بله، آن روایت ذکری که می‌‌گوید روی زرارة فی الصحیح، خب آن مشکل دارد. چون نگفت کتاب حریز یا کتاب زرارة، ‌روی زرارة فی الصحیح. صحیح عند الشهید الاولی کی می‌‌گوید صحیح عندنا است؟ ما مثال می‌‌زدیم: می‌‌گفتیم یک آقایی می‌‌گوید این مرجع واجب التقلید است، می‌‌گوییم آقا! بشین، ‌خیلی تند نرو، چرا واجب التقلید است؟ می‌‌گوید چون اورع است و واجب است تقلید اورع. می‌‌گوییم مگه ما مقلد حضرت عالی هستیم که می‌‌گویید واجب است تقلید از این مرجع چون تقلید از مرجع اورع واجب است؟ شما خبر بده از این‌که این آقا اعلم است در فتوی یا اعلم نیست. فتوی به ما نده. تشخیص موضوع به ما بده. اینجا هم روی زرارة فی الصحیح. خب ما که مقلد شهید اول نیستیم که بگوید این خبر، ‌صحیح است. شاید او معتقد است که در صحیح بودن خبر توسعه هست.

[سؤال: ... جواب:] شهید با سنی‌ها مشکل داشت، با واقفی‌ها مشکل داشت، با فطحی‌ها مشکل داشت. اما با شیعه اثنی‌‌عشری مشکل داشت مگر ثابت بشود عادل است، شیعی عدل را مطرح می‌‌کرد، این البته بعید نیست ولی خیلی واضح نیست که در شیعی چقدر سخت می‌‌گرفت، چقدر آسان می‌‌گرفت، این برای ما خیلی واضح نیست. ولی از استدلال‌هایی که از امثال ایشان نقل شده که گفتند ان جائکم فاسق بنبأ فتبینوا، ‌بعید نیست که بگوییم این‌ها دنبال این بودند که امامی‌آی که فاسق نباشد. این هم که آقای خوئی می‌‌گویند این‌ها اصالة العدالة‌ای بودند، ‌علامه اصالة العدالة‌ای بوده این به نظر ما درست نیست. خود این‌ها می‌‌گویند باید پشت سر امامی نماز بخوانیم که شاهد عادل بگوید که این امام، عادل است. همین‌جوری نمی‌شود پشت سر هر کسی نماز خواند. شهود بر عدالت را مطرح کردند. و لذا ما مظنون به ظن قوی برای ما این است که شهید اول مبنایش اضیق از مبنای ما بوده، ‌یعنی خبر امامی عدل را قبول می‌‌کرده چون امثال ایشان استدلال می‌‌کردند ان جائکم فاسق فتبینوا، و‌ای فسق اعظم من ترک الولایة و لذا می‌‌گفتند خبر عامی معتبر نیست. خب امامی اثناعشری هم اگر فاسق باشد او همین‌جور است. او هم فاسق است. این بیان بزرگان می‌آید. و لذا مظون به ظن قوی این است که صحیح عند الشهید الاول صحیح عندنا هم هست. ولی در حدی که ما جزم به این مطلب پیدا کنیم فعلا جازم نیستیم. و لکن روایت اول و سوم کافی است.

ما چه بگوییم؟ قائل بشویم به عدم جواز صلات تطوع در وقت فریضه؟ نه، قائل نمی‌شویم. چرا؟ بخاطر برخی از روایات.

یکی صحیحه محمد بن مسلم که دیگه این هم خبر امامی عدل است، قلت لابی عبدالله علیه السلام: اذا دخل وقت الفریضة اتنفل او ابدا بالفریضة؟ قال ان الفضل ان تبدأ بالفریضة. فضیلت دارد شروع در فریضة، ‌یعنی واجب نیست، و انما اخرت الظهر ذراعا من عند الزوال من اجل صلاة الاوابین، این‌که گفتند نماز ظهر را دو هفتم شاخص تاخیر بیندازید بخاطر این‌که به نماز اوابین نائل بشوید، ‌نوافل ظهر را بخوانید.

[سؤال: ... جواب:] نوافل ظهر را بخوانید. ... صدر روایت که در خصوص اذان ظهر نیست. فرض کنید نماز مغرب می‌‌خواند، ‌اذا دخل وقت الفریضة اتنفل او ابدا بالفریضة؟ قال ان الفضل ان تبدا بالفریضة. در خصوص اذان ظهر حضرت یک مطلب جدیدی فرمود. مطلب قبلی که در خصوص نماز ظهر نیست. مطلب جدید این بود که اشتباه نکنید، ‌در نماز ظهر که گفتند دو هفتم شاخص که یک ذراع است تاخیر بیندازید، آنجا یک خصوصیتی دارد که به صلات اوابین نائل بشوید، صلات‌ نافله ظهر را بخوانید، هشت رکعت، اما در غیر آن، ‌نه، اذان مغرب را می‌‌گویند، فرض این است که نماز فریضه را بخوانی. اذا دخل وقت الفریضة اتنفل او ابدا بالفریضة قال ان الفضل ان تبدا بالفریضة. وقت فضیلت نماز عشاء هم که رسید الفضل ان تبدأ بالفریضة. خود این قرینه است که فضل است؛ واجب نیست.

روایت دوم موثقه سماعه است. این موثقه سماعه را طبعا آن‌هایی که دنبال خبر امامی عدل هستند یا مطلقا یا در جایی که معارض بشود با خبر امامی عدل می‌‌گویند خبر عامی معتبر نیست. آن وقت این موثقه سماعه اگر معارض بشود با آن خبرهای صحیحه مثل صحیحه زراره، طبعا یک عده‌ای می‌‌گویند معتبر نیست مثل آقای زنجانی. اما ما وفاقا للمشهور بین المتاخرین موثقه را در حد صحیحه می‌‌دانیم، اگر تعارض کنند هر دو تساقط می‌‌کنند. و لذا این روایت در حجیت در حد یک صحیحه هست.

سألته عن الرجل یأتی المسجد و قد صلی اهله أیبتدأ بالمکتوبة او یتطوع؟‌ فقال ان کان فی وقت حسن فلابأس بالتطوع قبل الفریضة. اگر وقت دارد، اشکال ندارد تطوع قبل از فریضه، و ان خاف الفوت من اجل ما مضی من الوقت فلیبدا بالفریضة ثم لیتطوع ما شاء ألا هو موسع ان یصلی الانسان فی اول دخول الفریضة النوافل الا ان یخاف فوت الفریضة و الفضل اذا صلی الانسان وحده ان یبدأ بالفریضة اذا دخل وقتها. فضل این است که انسانی که نماز منفرد می‌‌خواند هر وقت خواست راحت نماز فریضه‌اش را می‌‌تواند شروع کند، ‌فضل این است که نماز فریضه را شروع کند. فضل این است نه واجب‌، ‌و لیس بمحذور علیه ان یصلی النوافل من اول الوقت الی قریب من آخر الوقت. ولی محذور نیست، حرام نیست که نوافل بخواند تا نزدیک به آخر وقت، آخر وقت که شد، ‌نماز فریضه بخواند. این ممنوع نیست.

و لذا عملا جمع عرفی بین روایات اقتضاء‌ می‌‌کند بگوییم تطوع در وقت فریضه مرجوح است مگر در جایی که ما الان مستحب نیست فریضه را شروع کنیم. مثل این‌که تاخیر انداختیم این فریضه را برای ادراک نماز جماعت و یا برای این‌که اذان کامل بشود. اذان اعلام دارند می‌‌گویند چه اشکال دارد من دو رکعت نماز بخوانم تا این اذان اعلام تمام بشود و بعد نماز جماعت بخوانیم یا نماز فرادی بعد از تمام شدن اذان بخوانیم.

می‌ماند یک روایتی که از پیامبر هست در مزدلفه، پیامبر نماز نافله مغرب را بعد از عشاء می‌‌خواندند. اول عشاء را می‌‌خواندند با تاخیر دو ساعته حدودا، ‌بعد نافله مغرب را می‌‌خواندند، ببینیم آیا این دلیل می‌‌شود که نافله مغرب قبل از عشاء مشروع نباشد؟

که جوابش این است که نه، پیغمبر افضل را انتخاب کرد. دلیل بر نامشروع بودن که کسی نافله مغرب را قبل از عشاء بخواند و لو چند ساعت بعد از اذان مغرب نخواهد بود.

تامل بفرمایید ان‌شاءالله تا فردا.